

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: رناتا عالم‌اوا (RENATA ALIMOVA)

برگردان: ا.م. شیری

۲۴ سپتمبر ۲۰۲۳

اجلاس ترکستان و آینده قابل تردید اتحادیه کشورهای ترک



یک بازیکن جدید در صحنه جهانی یا فرزندان مرده به دنیا آمده سلطان جاه طلب؟

از فهرست اسناد نهائی امضاء شده در اجلاس فوق‌العاده سران اتحادیه کشورهای ترک در انقره در تاریخ ۱۶ مارچ سال جاری، زمینه‌های کلیدی همکاری بین اعضای سازمان، تلفیق تلاش‌ها برای از میان برداشتن عواقب بلایای طبیعی و همکاری در زمینه سرمایه‌گذاری استنباط می‌شود. علی‌رغم تأکیدهای مکرر مبنی بر لزوم تحکیم اتحاد کشورهای ترک در شرایط دشوار ژئوپلیتیکی و اقتصادی جهان، کاری فراتر از درخواست برای افزایش سطح تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پیش نرفت.

آیا از دهمین اجلاس سران ترکستان که قرار است در ماه اکتوبر در قزاقستان برگزار شود، باید انتظار تصمیمات مهم در سرنوشت سازمان کشورهای ترک داشته باشیم؟ ظاهراً نه. با تمام احترامی که برای هر یک از شرکت‌کنندگان اجلاس قائلم، باید اذعان کنم که برای ایجاد یک اتحاد پایدار و مؤثر در هر زمان، چیزی بسیار بیشتر از میل به صحبت در مورد سرنوشت جهان، یعنی یا ایمان مشترک همه شرکت‌کنندگان به یک هدف واحد، یا همزمانی منافع اقتصادی متحدان بالقوه در یک دوره زمانی خاص لازم است. در حال حاضر، نه این و نه آن دیگری در سازمان کشورهای ترک مشاهده نمی‌شود.

در عصر عمل‌گرایانه سرمایه‌داری پیروزمند، مؤلفه اصلی سیاست همه دولت‌ها بدون استثناء، مصلحت اقتصادی باید باشد. به سخن دیگر، منفعت! برای به دست آوردن آن، لازم است از همه روش‌ها، از اعمال فشار گرفته تا تلاش برای ایجاد نوعی اصل وحدت‌بخش معنوی استفاده شود.

این دقیقاً همان کاری است که ترکیه می‌کند، چرا که نه یک دعوتنامه خوشایند از اروپا دریافت کرده و نه توانست نقش رهبر جهان اسلام را به عهده بگیرد. اکنون انقره در تلاش است تا با ترویج ایده صنعتی وحدت ترک در فضای پسا شوروی، ناکامی‌های خود را جبران نماید. سازمان کشورهای ترک ظاهراً نوعی تلاش ترکیه برای تشکیل اتحادیه مشابه اتحادیه اروپا است. اما بی‌ثمر بودن این تلاش‌ها از هم اکنون آشکار است. اتحادیه اروپا اساساً اتحاد یک مرکز ثروتمند با حاشیه فقیر برای گسترش بازارهای محصولات خود بود. وضعیت اقتصادی ناگوار ترکیه به آن اجازه نمی‌دهد که نقش یک پیشران را برای همگرایی کشورهای ترک و یک رهبر مالی در حل مشکلات اصلی پیش روی جمهوری‌های پسا شوروی ایفا نماید؛ ثبات و امنیت، توسعه گذرگاه‌های حمل و نقل و غلبه بر بحران انرژی را تضمین کند. بخش ساخت و ساز کسب‌وکار ترکیه، به جز برج‌های مسکونی مجلل ساخته شده با استفاده از وام‌های ترکیه، حتی یک تأسیسات با اهمیت در آسیای مرکزی نساخته است. با این حال، کیفیت حداقل بخشی از چنین ساخت‌وسازها را می‌توان با توجه به نتایج زلزله دهشتناک فبروری سال جاری ترکیه قضاوت کرد.

تلاش برای تحمیل رهبری خود در حوزه فرهنگی و آموزشی، زمانی با بسته شدن شبکه مدارس و مؤسسات وابسته به فتح الله گولن، به رسوائی بین‌المللی انجامید. ضمناً، در مورد گولن. همانطور که معلوم است، قرقیزستان علی‌رغم همه ادعاهای ترک‌ها که سعی می‌کنند مؤسسات آموزشی خود را با روحیه اسلام‌گرایی پان‌ترکی از طریق بنیاد معروف «معارف» وارد کشور کنند، این مؤسسات آموزشی را تعطیل نمی‌کند.

رهبر ترکیه در ایفای نقش خود به عنوان ایدئولوگ «ثوران بزرگ» نیز شکست خورده است. رجب طیب اردوغان با امتناع از اصول سلف بزرگ خود، کمال آتاتورک، که ترکیه را با اجرای اصلاحات مترقی از عقب‌ماندگی قرون وسطایی بیرون کشید، درگیر ایده‌هایی شد که اغلب بوی نفرت‌انگیز تاریک‌اندیشی مذهبی می‌دهد. تصور این که جمهوری‌های شوروی سابق، که در دهه‌های اخیر خود را به عنوان بازیگران مستقل در فضای اوراسیا تلقی می‌کنند، دشوار است، بپذیرند که به آهنگ نامفهوم آمیخته به نواهای مذهبی برقصند. همچنین بعید به نظر می‌رسد که مثلاً چهره‌های مدرن مترقی مانند مهربان علی‌اوا و سعیده میرزایوا امینه اردوغان را الگو قرار دهند و حجاب بر سر کنند. ماهیت چند برداری رهبر ترکیه، به عبارت دیگر «معجزه در چرخش»، همچنین مانع از آن می‌شود که بسیاری از هم‌تایان او را به عنوان یک شریک ژئوپلیتیک قابل اعتماد تصور کنند. چه کسی می‌تواند با اطمینان تضمین کند که اگر روزی چیزی در دستورکار بین‌المللی تغییر یابد و دعوتنامه خوشایند از اتحادیه اروپا به انقره برسد، رهبر ترکیه ایده «جهان بزرگ ترک» را به سطل آشغال نخواهد انداخت؟

الهام‌بخش و مروج ایده «یک ملت، پنج کشور» هرگز یک راه‌حل مناسب برای حل و فصل اختلافات ارضی متعدد چه در آسیای مرکزی و چه در ماوراء قفقاز ارائه نکرده است. علاوه بر این، طرف ترک دائماً برای متحدان سازمان کشورهای ترک «درد سر» اضافی ایجاد می‌کند و از هر طریق ممکن آن‌ها را متقاعد می‌سازد تا جمهوری ترک قبرس شمالی به رسمیت شناخته نشده (غیر از خود ترکیه) را به رسمیت بشناسند.

در عین حال، همت برای اتحاد «برادران ترک» مانع از آن نمی‌شود که اردوغان محصولات مجتمع نظامی-صنعتی خود را عملاً به همه طرف‌های درگیری‌های خونین در منطقه بفروشد. شرکت‌های ترکیه‌ئی با جدیت به آذربایجان،

قرقیزستان و تاجیکستان تسلیحات و تجهیزات نظامی صادر می‌کنند، بدون این که نگران این باشند که به اصطلاح «دیپلماسی بایراکدار» در حال تبدیل شدن به یک عامل بی‌ثباتی جدی در قفقاز و آسیای مرکزی است.

این سؤال همچنان باز است: ترکیه به عنوان یکی از اعضای ائتلاف آتلانتیک شمالی در صورت درگیری بین فدراسیون روسیه یا چین با ناتو در آسیای مرکزی چه موضعی خواهد گرفت؟ در حالی که به پمپاژ سلاح به منطقه ادامه می‌دهد، آیا در این بلوک شرکت خواهد کرد؟ اگر اعضای پیمان امنیت جمعی، از جمله قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، برادران ترک تبار، در یک رویارویی احتمالی با ناتو در منطقه شرکت کنند، چه؟

این تصور ایجاد می‌شود که خود رهبر ترکیه از ورشکستگی سیاسی و اقتصادی سازمان کشورهای ترک و ناتوانی آن در رقابت با بازیگران چند ملیتی جدی در سطح مانند بریکس یا سازمان همکاری شانگهای آگاه است. دیگر چگونه می‌توان اظهارات او مبنی بر آمادگی برای توسعه همکاری نزدیک تا مرحله پیوستن به هر دو سازمان را توضیح داد؟ از اجلاس سالگرد «گرد» سازمان کشورهای ترک که کمتر از یک ماه دیگر برگزار خواهد شد، چه انتظاری می‌توان داشت؟ به نظر می‌رسد جلسه بعدی یک «باشگاه منافع» خواهد بود، که در واقع همان چیزی است که هست.

دیدگاهی که در مورد گسترش احتمالی همکاری بین اعضای سازمان کشورهای ترک در حوزه نظامی تا تشکیل یک «ارتش واحد ترک» از سوی یکسری رسانه‌ها منتشر می‌شود، صرفاً حدس و گمان به نظر می‌رسد. برای تشکیل یک بلوک نظامی مؤثر، جاه‌طلبی‌های نوامپراتوری رهبر یک کشور، هر چند نه چندان کوچک، کافی نیست. همچنین نباید فراموش کنیم که جمهوری‌های شوروی سابق، که طعم استقلال سیاسی و اقتصادی را چشیده‌اند، به هیچ وجه علاقه‌ای به رفتن به زیر چتر حمایت «برادر بزرگ» جدید، صادقانه بگویم، نه چندان قابل اعتماد ندارند.

برگرفته از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

بسیگفتار مترجم به مقاله اجلاس ترکستان و آینده قابل تردید اتحادیه کشورهای ترک

پس از آن که اتحاد شوروی، یک شخصیت حقوقی فوق‌العاده معتبر و تأثیرگذار جهانی در اوایل دهه نود میلادی به قتل رسید، بازیگران درجه چهارم-پنجم، از اینجا رانده‌ها و از آنجا مانده‌های عاجز از حل مشکلات اجتماعی-اقتصادی خود مانند ترکیه و ایران، وارثان آن را دوره کردند و هر یک با وعده‌های پوچ در باغ سبز به آن‌ها نشان دادند.

ترکیه با صدور آرایشگر، دؤنرپز، افکار و ایده‌های ناسیونالیستی و اسلام اخوان‌المسلمینی سعی کرد آن‌ها را بفریبد (من خلاف خانم ریناتا، تردید دارم برج‌های مسکونی مجلل با وام‌های ترکیه ساخته شده باشد).

ایران نیز به تلاش‌های دامنه‌داری دست زد تا با تربیت شیخ و آخوند و صدور فرهنگ نوحه‌خوانی، سینه، قمه و زنجیرزنی، ورد و دعاخوانی، حجاب و نقاب، راه‌اندازی «حاجی»، «کربلایی» و «مشهدی» و ترویج ناسیونال-شوونیزم مذهبی ایرانی، انقلاب اسلامی خود را به جمهوری‌های بر جای مانده از اتحاد شوروی صادر کند.

البته، قابل انکار نیست که تا حدودی موفق هم شدند. اما این موفقیت آن‌ها اساساً تا همان تندبیخ نخست درخشان به نظر می‌رسید. زیرا، پس از این که سر وارثان شوروی مرحوم به سنگ لحد خورد، تازه فهمیدند نه از آرایشگران و اخوان‌المسلمینی‌های ترکیه و نه از آخوندهای خرافه‌پرست ایران هیچ آبی برای آن‌ها گرم نمی‌شود.

از این رو، در کمال گنجی و سرگردانی، اکنون برای یافتن حامی قابل اطمینان از میان بازیگران اصلی بین‌المللی، خود را به در و دیوار می‌زنند. به همین دلیل است که برای حل و فصل وقایع اتفاقیه تلخ پس از قتل اتحاد شوروی در این جمهوری‌ها، علی‌رغم گذشته بیش از سه دهه، هنوز رامحل مناسبی پیدا نشده است.

از اینجا به بعد، باید منتظر روند توسعه حوادث جهانی ماند تا معلوم شود باد از کدام سو خواهد وزید.

در رابطه با مطلب فوق، یک نکته بسیار قابل توجه دیگر، نقاط اشتراک و افتراق ایران و فدراسیون روسیه است. نقطه اشتراک آن‌ها این است که بیش از نصف جمعیت هر دو کشور را ملل و اقوام ترک‌زبان تشکیل می‌دهد. اما وجه تمایزشان این است که روسیه به لحاظ تقسیمات کشوری شامل ۸۵ واحد جغرافیایی خودمختار و ۱۳۰ زبان ملی است و این تنوع قومی و زبانی را نقطه قوت خود می‌داند. در ایران اما به عکس، هر کسی که بخواهد از حق و حقوق ملی کمترین سخنی به میان آورد، بدون هیچ دلیل و مدرکی، فوراً او را به شکستن وحدت ملی و تجزیه‌طلبی متهم می‌کنند و دمار از روزگارش در می‌آورند. مع هذا، «اینجا ببین سرما را، آنجا ببین گرما را»!

۲۹ شهریور-سنبله ۱۴۰۲